

« باسمه تعالی »

« جدول نشانه گذاری »

ردیف	نشانه	نام	موارد استفاده
1	.	نقطه	1) در پایان همه ی جمله ها به جز جمله های پرسشی و تعجبی : هوا ابری است. شاید درک این مسئله دشوار باشد. 2) پس از هر حرفی که به صورت نشانه ی اختصار به کار رفته باشد : ابن سینا متولد سال 428 هـ . ش.
2	،	ویرگول	1) میان عبارت : او با تلاش بسیار صادقانه ، به مقصود رسید. 2) پس از منادا : خدایا ، مرا عفو کن. 3) هر جا کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح ، در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود : سهراب سپهری ، شاعر معاصر ، به نقاشی علاقه ی فراوان داشت. همان جا ، زیر آن درخت ، نشسته بودم. 4) بین چند کلمه که اسناد واحدی باشد : فردوسی ، مولوی ، سعدی و حافظ از بزرگان شعر فارسی هستند. 5) بین دو کلمه که ممکن است خواننده آن ها را با کسره ی اضافه بخواند : پدر، حسن را سرزنش کرد. 6) میان جمله های غیر مستقل که در مجموع جمله ی کاملی را تشکیل می دهند : اگر شب ها همه قدر بودی ، شب قدر بی قدر بودی.
3	:	دو نقطه	1) قبل از نقل قول : صاحب نظران آموزشی می گویند : شرط درست نوشتن ، درست فهمیدن است. 2) هنگام برشمردن اجزای یک چیز : آثار جلال آل احمد عبارتند از : خسی در میقات ، مدیر مدرسه ، سه تار و ... 3) جلوی کلماتی که می خواهیم آن ها را معنی کنیم : نغز : دل کش
4	؟	علامت سؤال	1) در پایان جمله های پرسشی : آیا تاکنون کتاب گلستان سعدی را خوانده ای؟ 2) برای نشان دادن مفهوم تردید یا استهزا : وفات حافظ در 721 ( ؟ ) اتفاق افتاد. او نابغه ( ؟ ) است.
5	!	علامت تعجب یا خطاب	1) در پایان جمله ی تعجبی ، تأکیدی ، عاطفی : عجب روزگاری است! 2) پس از اصوات : هان ! ای دل عبرت بین
6	« »	گیومه	1) سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می شود : پیامبر فرمودند : « طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است ». 2) اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی ( فقط بار اول ) . « صَوْر خیال » از اجزای اصلی شعر است.
7	؛	نقطه ویرگول	1) برای جدا کردن جمله هایی که از جهت ساختمان و مفهوم مستقل به نظر می رسند ولی در یک عبارت طولانی ، با یک دیگر بستگی معنایی دارند : دانش آموز باید درس بخواند ؛ منظم باشد و به سخنان معلم گوش فرا دهد. 2) در بیان توضیح و مثال پیش از کلمه های « مثلاً » ، « فرضاً » ، « یعنی » و ... : هنگام نگارش باید خوب دید ؛ یعنی ، دقت داشت و هوشیار بود.

<p>1) در مکالمه ی بین اشخاص داستان ها یا نمایش نامه ها یا ذکر مکالمات تلفنی ، در ابتدای جمله و از سرِ سطر به جای نام گوینده :</p> <p>- کجا بودی؟</p> <p>- کتاب خانه.</p> <p>- چه کتابی انتخاب کردی؟</p> <p>- خدمات متقابل اسلام و ایران</p> <p>2) هنگامی که دو کلمه بر روی هم دو جنبه ی مختلف از یک منظور را نشان دهند :</p> <p>مباحث اجتماعی - روانی گاه بسیار به هم پیوند می خورند.</p> <p>3) به معنی « تا » و « به » برای بیان فواصل زمانی و مکانی. قطار تهران - مشهد حرکت کرد. گروه سنی 7-13 سال می توانند این کتاب را بخوانند.</p> <p>4) برای جدا کردن عبارت معترضه : حضرت علی - علیه السلام - فرمود : ...</p> <p>5) هرگاه کلمه ای در آخر سطر نگنجد، با قرار دادن یک خطّ فاصله بقیه ی آن را در سطر بعد می نویسیم : در نگارش هایی که جنبه ی ادبی دارند استفاده از احساس و عاطفه ، صمیمیت ، صُور - خیال ، شیوه های مهمّ پرورش مطلب هستند.</p>	خطّ فاصله	-	8
<p>1) برای نشان دادن جملات و کلمات محذوف :</p> <p>کنایه ، استعاره ، مجاز ، تشخیص و ... جنبه هایی از صُور خیال را تشکیل می دهند.</p> <p>2) سخن ناتمام : شما ... شما ... زبانم لال ...</p> <p>3) برای نشان دادن کشش هجا در گفتار: سقف هر ... ی ریخت. آها ... ی حسین ، کجایی؟</p> <p>4) افتادگی کلمه یا کلماتی از یک نسخه ی خطّی :</p> <p>اوّل چیزی که نگاه کنند روز قیامت نماز بُود. اگر تمام باشد و به شرط بُود پذیرند و دیگر ... چنان که باشد پذیرند.</p>	سه نقطه	...	9
<p>1) مطالبی که جزء اصل کلام نباشد :</p> <p>معلّم: خوشحالم که اعلام کنم کلاس شما بین سایر کلاس های مدرسه بالاترین نمره را کسب کرده است. [ابراز احساسات دانش آموزان کلاس ]</p> <p>2) در تصحیح متون کلمات الحاقی یا توضیحات احتمالی در قلاب گذاشته می شود :</p> <p>گفت : من مردی طرّارم ، [تو] این زر به من امانت دادی ...</p> <p>3) دستورهای اجرایی در نمایش نامه ها : حسین [ با نیش خند ] فکر می کنید این کار به صلاح شما باشد؟</p>	قلاب	[ ]	10
<p>1) معنی و معادل یک کلمه :</p> <p>زندگی نامه (بیوگرافی) و حسب حال (اتو بیوگرافی) دو حوزه ی مهمّ نگارشی هستند.</p> <p>2) توضیح بیشتر : بنای واقع گرایی (همان رئالیسم در مکاتب ادبی غربی) بر حقیقت گویی است.</p> <p>3) ذکر تاریخ ، شهرت ، تخلص ، نام سابق و ...</p> <p>ابن سینا (370 - 428 هـ) از نوابغ شرق و جامع علوم گوناگون بود.</p>	کمانک (پروانز)	( )	11
<p>1) برای جدا کردن روز ، ماه ، سال :</p> <p>خواهشمند است در تاریخ 86/1/24 در محلّ مدرسه حضور به هم رسانید.</p> <p>2) برای جدا کردن مصرع های یک بیت : آی آدم ها / یک نفر دارد که دست و پای دائم می زند در آب</p>	ممیز (خطّ مورب)	/	12

13	*	<b>ستاره</b>	(1) برای توضیح یک کلمه در پاورقی (2) در آغاز یک سطر به نشانه ی شروع مطلب جدید								
14	←	<b>پیکان</b>	برای نشان دادن نتیجه ی ترکیب چند جزء یا تجزیه ی یک کلمه : « از پا افتادن » از چند بخش تشکیل شده است ← « از (حرف اضافه) + پا (اسم) + افتادن (مصدر)								
15	"	<b>ایضاً</b>	علامت جملات و کلمات مشابه : کتاب « زبان فارسی » سال اوّل دبیرستان " " " " " دوم "								
16	{ }	<b>آکلاذ</b> (دو ابرو)	برای نشان دادن انشعاب : اسم ها از نظر ساخت چهار دسته اند <table style="display: inline-table; vertical-align: middle;"> <tr> <td style="font-size: 2em; vertical-align: middle;">}</td> <td style="padding: 0 5px;">ساده</td> </tr> <tr> <td style="font-size: 2em; vertical-align: middle;">}</td> <td style="padding: 0 5px;">مشتق</td> </tr> <tr> <td style="font-size: 2em; vertical-align: middle;">}</td> <td style="padding: 0 5px;">مرکّب</td> </tr> <tr> <td style="font-size: 2em; vertical-align: middle;">}</td> <td style="padding: 0 5px;">مشتق - مرکّب</td> </tr> </table>	}	ساده	}	مشتق	}	مرکّب	}	مشتق - مرکّب
}	ساده										
}	مشتق										
}	مرکّب										
}	مشتق - مرکّب										
17	=	<b>تساوی</b>	برای نشان دادن تساوی میان دو مطلب : آمدم که تو را ببینم = برای دیدن تو آمدم.								